

ذهنیت قربانی، جستجوی بلاگردان و غیرانسانی سازی: مسیر به سوی نسل کشی

مسیر تاریخی آلمان پیش از جنگ جهانی دوم و اقدامات اسرائیل تا 17 مه 2025 شباهتی عمیق و نگران کننده را نشان می دهد که چگونه ذهنیت قربانی یک ملت می تواند به هدف گیری سیستماتیک یک گروه اقلیت منجر شود و در نهایت به نسل کشی ختم گردد. هر دو مورد الگویی را نشان می دهند که شامل پرورش روایت قربانی ملی، سرزنش یک اقلیت برای چالش های اجتماعی، غیرانسانی سازی آن گروه، تحریک به خشونت علیه آن ها و در نهایت منجر به اقدامات نسل کشانه می شود. این مقاله اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان را از طریق گفتمان عمومی، عملیات نظامی، گزارش های حقوق بشر و تحلیل های دانشگاهی بررسی می کند و آن ها را با رفتار آلمان با یهودیان در دهه های 1920 و 1930 مقایسه می کند که به هولوکاست منجر شد.

I. ذهنیت قربانی: پایه ای برای تجاوز

آلمان پیش از جنگ جهانی دوم (1919-1939): پس از جنگ جهانی اول، آلمان حس عمیقی از قربانی بودن را پرورش داد که توسط معاهده ورسای، که جریمه های سنگین و از دست دادن سرزمین را تحمیل کرد، تقویت شد. این روایت آلمان را به عنوان ملتی که به ناحق سرکوب شده و توسط نیروهای داخلی خیانت دیده و موقعیتش تضعیف شده به تصویر می کشید. از طریق تبلیغات، آموزش و گفتمان عمومی، آلمانی ها شرطی شدند تا خود را قربانی ببینند، با تمرکز بر رنج ملی و نیاز به بازگرداندن شکوه سابق خود. این ذهنیت، که با خودترحمی و امتناع از به رسمیت شناختن نقش ملت در چالش های خود مشخص شده بود، زمینه را برای سیاست های تهاجمی علیه کسانی که مسئول مبارزات آلمان تلقی می شدند، فراهم کرد.

اسرائیل (1948-2025): هویت ملی اسرائیل به شدت تحت تأثیر ترومای هولوکاست قرار گرفته است، که جان 6 میلیون یهودی را گرفت و تأثیری ماندگار بر آگاهی یهودیان گذاشت. اصل «هرگز دوباره» اسرائیل را به عنوان قربانی دائمی قرار می دهد که مدام توسط نیروهایی که به دنبال نابودی آن هستند تهدید می شود، یادآور آزار و اذیت نازی ها. مقاله ویکی پدیا درباره ذهنیت قربانی ویژگی هایی مانند خودترحمی، نخبه گرایی اخلاقی و فقدان همدلی را شناسایی می کند که عمیقاً در جامعه اسرائیل ریشه دارند. آموزش درباره هولوکاست، مراسم های ملی و گفتمان سیاسی این قربانی گری را تقویت می کنند، اغلب ترومای تاریخی را به تهدیدهای معاصر مانند مقاومت فلسطینی مرتبط می کنند. این ذهنیت در پاسخ اسرائیل به انتقادهای بین المللی—مانند پرونده آفریقای جنوبی در دیوان بین المللی دادگستری در سال 2024—آشکار است، جایی که اتهامات نسل کشی به عنوان حملات یهودستیزانه علیه حق موجودیت اسرائیل رد می شوند، که نشان دهنده حساسیت بیش از حد به انتقاد و نیاز به به رسمیت شناختن رنج خود است.

شباهت: هر دو ملت ذهنیت قربانی را پرورش دادند که پویایی مهاجم-قربانی را معکوس کرد. آلمان خود را قربانی خیانت و سرکوب معرفی کرد، در حالی که اسرائیل خود را قربانی تجاوزات یهودستیزانه می بیند که ریشه در خاطره هولوکاست دارد. این ذهنیت، همان طور که در مقاله ویکی پدیا توضیح داده شده، از پذیرش مسئولیت امتناع می کند—آلمان برای نقش خود

در جنگ جهانی اول، اسرائیل برای نقش خود در اشغال—و به هر دو اجازه می‌دهد تا خشونت علیه اقلیتی که به‌عنوان بلاگردان انتخاب شده را توجیه کنند.

II. جستجوی بلاگردان: سرزنش اقلیت برای چالش‌های اجتماعی

آلمان پیش از جنگ جهانی دوم: در طول دهه‌های 1920 و 1930، آلمان یهودیان را بلاگردان مشکلات اجتماعی خود کرد و بحران‌های اقتصادی مانند تورم بیش از حد در سال 1923، بیکاری و زوال فرهنگی را به تأثیر آن‌ها نسبت داد. تبلیغات، یهودیان را به‌عنوان فرصت‌طلبانی بی‌وفا به تصویر می‌کشید که آلمانی‌ها را استثمار می‌کردند و آن‌ها را به‌عنوان دشمن داخلی مسئول مبارزات ملت معرفی می‌کرد. این روایت از طریق رسانه‌ها، آموزش و سیاست‌های عمومی، مانند قوانینی که یهودیان را از نقش‌های عمومی کنار می‌گذاشت، تقویت شد و این درک را تثبیت کرد که آن‌ها ریشه مشکلات آلمان بودند.

اسرائیل: از زمان تأسیس در سال 1948، اسرائیل به‌طور مداوم فلسطینیان را مسئول چالش‌های امنیتی و سیاسی خود دانسته است، اغلب سرکوب سیستماتیک ناشی از اشغال را نادیده می‌گیرد. مقاله سال 2023 درباره کشتار 36 کودک فلسطینی در کرانه باختری این موضوع را نشان می‌دهد، زیرا نیروهای اسرائیلی با برچسب زدن به کودکان به‌عنوان تهدید به دلیل اقدامات جزئی مانند پرتاب سنگ، مرگ آن‌ها را توجیه کردند و حتی جوان‌ترین فلسطینیان را به‌عنوان بلاگردان برای ناآرامی‌ها معرفی کردند. حمله 7 اکتبر 2023، که در ابتدا به‌عنوان قتل‌عامی به رهبری حماس گزارش شد و منجر به مرگ 1,195 اسرائیلی شد، برای بدنام کردن کل جمعیت فلسطینی استفاده شد. با این حال، تحقیقات بعدی نشان داد که استفاده ارتش اسرائیل از «دستورالعمل هانیبال» —استفاده از نیروی بی‌تفکیک برای جلوگیری از اسیر شدن سربازان اسرائیلی، حتی به قیمت جان اسرائیلی‌ها—به این تلفات کمک کرد، با گزارش‌هایی که نشان می‌داد آتش هلیکوپترها و بمباران تانک‌ها گروگان‌های اسرائیلی را همراه با جنگجویان حماس کشته‌اند. با وجود این، روایت گسترده‌تر همه فلسطینیان را بلاگردان می‌کند، همان‌طور که در گزارش‌های حقوق بشر دسامبر 2024 منعکس شده است که خشونت سیستماتیک علیه غیرنظامیان را مستند می‌کنند. گفتمان عمومی، مانند شعارهای «مرگ بر اعراب» در راهپیمایی پرچم اورشلیم در سال 2023، فلسطینیان را بیش از پیش بلاگردان می‌کند، به این معنا که صرف حضور آن‌ها مشکلی است، احساسی که توسط رهبران راست افراطی که فلسطینیان را مانعی برای بقای اسرائیل معرفی می‌کنند، تکرار می‌شود.

شباهت: هر دو ملت یک اقلیت را بلاگردان مشکلات اجتماعی کردند. آلمان یهودیان را به دلیل مشکلات اقتصادی و فرهنگی سرزنش کرد، در حالی که اسرائیل فلسطینیان را به دلیل تهدیدات امنیتی مقصر می‌داند، اغلب نقش اشغال در تحریک مقاومت و اقدامات خود، مانند مشارکت دستورالعمل هانیبال در مرگ اسرائیلی‌ها در 7 اکتبر را نادیده می‌گیرد. ویژگی مقاله ویکی‌پدیا مبنی بر «شناسایی دیگران به‌عنوان دلیل یک وضعیت ناخواسته» در هر دو مورد مشهود است، با آلمان که شکست‌های خود را انکار می‌کند و اسرائیل که از مسئولیت‌شانه خالی می‌کند و اقدامات تهاجمی علیه گروه انتخاب‌شده به‌عنوان بلاگردان را توجیه می‌کند.

III. غیرانسانی‌سازی و تحریک به خشونت

آلمان پیش از جنگ جهانی دوم: غیرانسانی‌سازی سنگ بنای سیاست‌های آلمان پیش از جنگ جهانی دوم بود، با تبلیغاتی که یهودیان را به‌عنوان تهدیدات زیرانسانی برای نژاد «آریایی» به تصویر می‌کشید. کمپین‌های رسانه‌ای و عمومی یهودیان را از انسانیت خود محروم کردند و آن‌ها را به‌عنوان خطرات اجتماعی معرفی کردند. این گفتمان به خشونت تحریک کرد، با تجمعات گسترده‌ای که برتری آلمان را ستایش می‌کردند در حالی که یهودیان را بدنام می‌کردند و خصومت را عادی

می‌کردند. تا سال 1938، خشونت مورد تأیید دولت علیه جوامع یهودی شعله‌ور شد، نتیجه مستقیم سال‌ها تبلیغات غیرانسانی‌سازی که جمعیت را نسبت به رنج یهودیان بی‌حس کرد.

اسرائیل: غیرانسانی‌سازی فلسطینیان توسط اسرائیل در گفتمان و اقدامات آشکار است. راهپیمایی پرچم اورشلیم در سال 2023، که در آن شرکت‌کنندگان شعار «مرگ بر اعراب» سر دادند، تحریک عمومی به خشونت را منعکس می‌کند، فلسطینیان را به‌عنوان دشمنی جمعی که شایسته مرگ هستند به تصویر می‌کشد، مشابه شعارهای خصمانه تجمعات آلمانی. مقاله سال 2023 درباره کشتار کودکان فلسطینی در کرانه باختری این غیرانسانی‌سازی را بیشتر نشان می‌دهد، زیرا کودکان به‌عنوان تهدیدهایی که باید خنثی شوند تلقی شدند، با نیروهای اسرائیلی که احترام کمی به انسانیت آن‌ها نشان دادند و اغلب نیروی مرگبار را علیه اقدامات جزئی توجیه کردند. در غزه، گزارش حقوق بشر دسامبر 2024 خشونت سیستماتیک را برجسته می‌کند، شامل حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها و اعمال شرایط قحطی، که فلسطینیان را به اهداف صرف در یک کمپین نظامی کاهش می‌دهد، بدون در نظر گرفتن انسانیت پایه‌ای آن‌ها.

شبهات: هر دو ملت یک اقلیت را غیرانسانی کردند تا به خشونت تحریک کنند. آلمان از تبلیغات صریح برای به تصویر کشیدن یهودیان به‌عنوان زیرانسانی استفاده کرد، در حالی که غیرانسانی‌سازی اسرائیل عملی است و فلسطینیان را به‌عنوان تهدیدهایی که باید حذف شوند تلقی می‌کند، همان‌طور که شواهد نشان می‌دهد. ویژگی «فقدان همدلی» مقاله ویکی‌پدیا در هر دو مورد آشکار است—آلمان رنج یهودیان را نادیده گرفت و اسرائیل جان فلسطینیان را نادیده می‌گیرد و خشونت علیه گروه غیرانسانی‌شده را عادی می‌کند.

IV. اوج در نسل‌کشی

آلمان پیش از جنگ جهانی دوم تا جنگ جهانی دوم (1939–1945): مسیر آلمان در هولوکاست به اوج خود رسید، که در سال 1941 آغاز شد و منجر به نسل‌کشی 6 میلیون یهودی شد. این نتیجه سال‌ها تلقین، جستجوی بلاگردان و غیرانسانی‌سازی بود، با دولت که از روش‌های سیستماتیک—اردوگاه‌های مرگ، تیراندازی‌های جمعی و قحطی در گتوها—برای ریشه‌کن کردن جمعیت یهودی استفاده کرد. نیت نابودی گروه آشکار بود و تعریف کنوانسیون سازمان ملل در مورد نسل‌کشی را برآورده می‌کرد و توسط ذهنیت قربانی که یهودیان را به‌عنوان تهدیدی وجودی برای بقای آلمان معرفی می‌کرد و جمعیت را نسبت به جنایات انجام‌شده بی‌حس می‌کرد، توجیه شد.

اسرائیل (2023–2025): اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان پس از حمله 7 اکتبر 2023 به نسل‌کشی منجر شد، همان‌طور که توسط مقاله مطالعات نسل‌کشی NRC در مه 2025 تأیید شد، که خاطرنشان می‌کند محققان به اتفاق آرا اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشانه» توصیف می‌کنند، و گزارش عفو بین‌الملل دسامبر 2024. شواهد شامل موارد زیر است:

- **خشونت و محرومیت سیستماتیک:** گزارش دسامبر 2024 حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها و اعمال شرایط قحطی را مستند می‌کند، همراه با تعداد کشته‌شدگان بیش از 44,000 فلسطینی و 1.9 میلیون آواره تا نوامبر 2024، بر اساس گزارش UNRWA.

- **نیت:** ماهیت سیستماتیک این اقدامات، با هدف غیرقابل سکونت کردن غزه، با معیارهای کنوانسیون سازمان ملل در مورد نسل‌کشی—کشتار، ایجاد آسیب جدی و اعمال شرایط برای ایجاد تخریب فیزیکی—هم‌راستا است.

ذهنیت قربانی اسرائیل، همان‌طور که در مقاله ویکی‌پدیا شرح داده شده، این نسل‌کشی را از طریق ویژگی‌هایی مانند نخبه‌گرایی اخلاقی (دیدن اسرائیل به‌عنوان برتر اخلاقی)، فقدان همدلی (نادیده گرفتن رنج فلسطینیان) و نشخوار فکری

(تمرکز بر ترومای اسرائیل) ممکن می‌سازد و تخریب سیستماتیک فلسطینیان را به‌عنوان عملی «دفاعی» علیه تهدیدی درک‌شده توجیه می‌کند.

شباهت: هر دو ملت مسیر خود را با ذهنیت قربانی به نسل‌کشی ختم کردند. هولوکاست آلمان و نسل‌کشی اسرائیل در غزه شامل خشونت هدایت‌شده توسط دولت است که به تخریب یک اقلیت هدف‌گذاری می‌کند، با استفاده از روش‌های سیستماتیک (کشتار، محرومیت) و نشان دادن نیت آشکار برای ریشه‌کن کردن گروه. مقیاس متفاوت است—6 میلیون یهودی در مقابل بیش از 44,000 فلسطینی—اما نیت و مکانیزم‌ها به‌طور شگفت‌انگیزی مشابه هستند.

V. هشدارهای نیچه: تحول از طریق ذهنیت قربانی

نقل قول‌های نیچه—“کسی که با هیولاها مبارزه می‌کند باید مراقب باشد که در این فرآیند خود به هیولا تبدیل نشود” و “اگر به مدت طولانی به پرتگاه خیره شوی، پرتگاه نیز به تو خیره می‌شود”—لنز فلسفی را ارائه می‌دهند تا درک کنیم چگونه ذهنیت قربانی هر دو ملت را به مرتکبان نسل‌کشی تبدیل کرد.

مبارزه با هیولاها

- **آلمان پیش از جنگ جهانی دوم:** آلمان یهودیان را به‌عنوان «هیولایی» که بقای آن را تهدید می‌کرد معرفی کرد و از این روایت برای توجیه طرد و در نهایت نابودی آن‌ها استفاده کرد. در مبارزه با این شر فرضی، آلمان هیولا شد، یهودیان را از طریق تبلیغات غیرانسانی کرد و در طول هولوکاست نسل‌کشی انجام داد.
- **اسرائیل:** اسرائیل فلسطینیان را به‌عنوان «هیولاها» قرار می‌دهد، اغلب آن‌ها را با ستمگران تاریخی مقایسه می‌کند تا اقدامات خود را توجیه کند. با این حال، در این کار، تاکتیک‌های هیولاوار را اتخاذ می‌کند—کشتار کودکان در کرانه باختری، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی در غزه و ارتکاب نسل‌کشی، همان‌طور که توسط گزارش حقوق بشر 2024 و مقاله NRC 2025 اثبات شده است. ذهنیت قربانی با نخبه‌گرایی اخلاقی خود این اعمال را به‌عنوان ضروری برای بقا توجیه می‌کند و بازتاب توجیهات آلمان است.

خیره شدن به پرتگاه

- **آلمان پیش از جنگ جهانی دوم:** تثبیت آلمان بر شکایات پس از جنگ جهانی اول—«پرتگاه» تحقیر ملی—آن را به انعکاس آن تاریکی سوق داد و با هولوکاست به فساد اخلاقی فرو رفت، در حالی که به شری تبدیل شد که ادعا می‌کرد با آن مبارزه می‌کند.
- **اسرائیل:** وسواس اسرائیل با ترومای هولوکاست—«پرتگاه» رنج تاریخی—در اقداماتش منعکس می‌شود، زیرا در غزه نسل‌کشی انجام می‌دهد و جنایاتی را که قسم خورده بود از آن‌ها جلوگیری کند، بازتاب می‌دهد. ویژگی‌های مقاله ویکی‌پدیا درباره فقدان همدلی و نشخوار فکری این سقوط را تشدید می‌کند، زیرا اسرائیل بر درد خود تمرکز دارد در حالی که رنج فلسطینیان را نادیده می‌گیرد.

شباهت: هشدارهای نیچه قدرت تحول‌آفرین ذهنیت قربانی را در هر دو ملت برجسته می‌کنند. در مبارزه با دشمنی که تصور می‌کردند، آن‌ها مرتکب نسل‌کشی شدند؛ با خیره شدن به پرتگاه‌های ترومای خود، آن تاریکی را منعکس کردند و تاکتیک‌های ستمگران تاریخی خود را اتخاذ کردند.

VI. پیامدهای گسترده‌تر و نگرانی‌های اخلاقی

شباهت‌های بین آلمان پیش از جنگ جهانی دوم و اسرائیل تا 17 مه 2025 الگویی خطرناک را آشکار می‌کنند: ذهنیت قربانی، هنگامی که مسلح شود، می‌تواند به تخریب سیستماتیک یک گروه اقلیت منجر شود. مسیر آلمان—از اوایل دهه 1920 تا هولوکاست—نشان می‌دهد که چگونه تلقین، جستجوی بلاگردان و غیرانسانی‌سازی به نسل‌کشی ختم می‌شود. مسیر اسرائیل—از تأسیس آن در سال 1948 تا نسل‌کشی در غزه—مسیر مشابهی را دنبال می‌کند، با ذهنیت قربانی که همان مکانیزم‌ها را ممکن می‌سازد، همان‌طور که از شواهد شعارهای عمومی، خشونت نظامی و تخریب سیستماتیک دیده می‌شود.

نگرانی‌های اخلاقی:

- **تناقض اخلاقی:** اسرائیل، که به‌عنوان پناهگاهی در برابر نسل‌کشی تأسیس شد، تاکتیک‌هایی را تکرار می‌کند که یادآور آلمان نازی علیه فلسطینیان است و با اصول بنیادی خود یعنی «هرگز دوباره» در تناقض است. فقدان همدلی و نخبه‌گرایی اخلاقی اسرائیل را نسبت به این تناقض کور می‌کند، زیرا قربانی‌گری خود را بر انسانیت فلسطینیان مقدم می‌دارد.
- **همدستی بین‌المللی:** ناکامی جامعه بین‌المللی در متوقف کردن هولوکاست تا سال 1945 در پاسخ ناکافی آن به نسل‌کشی اسرائیل منعکس می‌شود، همان‌طور که در مقاله NRC 2025 ذکر شده است، که اجازه می‌دهد جنایات ادامه یابند با وجود اقدامات قانونی مانند پرونده ICJ 2024.
- **چرخه تروما:** اقدامات اسرائیل چرخه‌ای از تروما را تداوم می‌بخشند، زیرا رنج فلسطینیان رنج یهودیان تحت نازی‌ها را منعکس می‌کند و به‌طور بالقوه درگیری‌ها و کینه‌های آینده را تغذیه می‌کند. روایت اولیه پیرامون حمله 7 اکتبر 2023، که فلسطینیان را به‌عنوان بلاگردان معرفی کرد با وجود نقش اسرائیل در برخی از تلفات، این چرخه را تشدید می‌کند.

نتیجه‌گیری

شباهت‌های بین آلمان پیش از جنگ جهانی دوم و اسرائیل تا 17 مه 2025 هم عمیق و هم عمیقاً نگران‌کننده هستند. هر دو ملت، که توسط ذهنیت قربانی هدایت می‌شدند—آلمان پس از جنگ جهانی اول، اسرائیل پس از هولوکاست—یک اقلیت (یهودیان، فلسطینیان) را بلاگردان مشکلات اجتماعی کردند، آن‌ها را غیرانسانی کردند، به خشونت تحریک کردند و در نهایت نسل‌کشی انجام دادند. هولوکاست آلمان و نسل‌کشی اسرائیل در غزه، همان‌طور که توسط گفتمان عمومی، اقدامات نظامی، گزارش‌های حقوق بشر و اجماع دانشگاهی اثبات شده است، مکانیزم‌های مشابهی را منعکس می‌کنند: خشونت هدایت‌شده توسط دولت، روش‌های سیستماتیک و نیت ریشه‌کن‌سازی، که توسط امتناع از پذیرش مسئولیت و فقدان همدلی برای گروه هدف توجیه شده است. هشدارهای نیچه این تحول را روشن می‌کنند، زیرا هر دو ملت به «هیولایی» تبدیل شدند که با آن مبارزه کردند و «پرتگاه» ترومای خود را در اقداماتشان منعکس کردند. این تحلیل خطرات ذهنیت قربانی در تداوم چرخه‌های خشونت را برجسته می‌کند و خواستار تأمل انتقادی در مورد چگونگی ترومای تاریخی می‌تواند به جنایات جدیدی منجر شود اگر با همدلی و مسئولیت‌پذیری مواجه نشود.